

چند روزی به اولین سالگرد ارتحال علامه مصباح یزدی مانده بود که حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، در خواست مصاحبه را پذیرفتند. قرار شد در لبنان به محضر ایشان برسیم. بهانه این گفت‌وگو دوباره گفتن و شنیدن از علامه مصباح یزدی بود. در این نشست که به میزبانی شخص دبیر کل حزب‌الله و پرسشگری حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی مصباح برگزار شد، لحظات غریب و نوبی برای هر دو طرف گفت‌وگو پدید آمد. از اینکه معرف علامه مصباح به حزب‌الله لبنان که بود و چه زمانی و چگونه سفرهای ایشان به لبنان آغاز شد تا اینکه مصباح به دبیر کل آن در نگاه علامه مصباح چه جایگاهی داشتند. البته آنچه در این گفت‌وگو شایان توجه بیشتر است و بخش ویژه‌ای از سخنان و تمرکز سیدحسن نصرالله را به خود گرفت، گفتن از این گزاره بود: «مهم‌ترین ویژگی و تأثیر آیت‌الله مصباح بر علما، نیروها، برادران و خواهران حزب‌الله، تقویست و تحکیم رابطهٔ ایمانی، عاطفی و ولایی با حضرت امام خامنه‌ای بود.» با توجه به سالگرد ارتحال علامه مصباح در این روزها؛ از امروز این گفت‌وگوی صمیمانه را در صفحه پاورقی کیهان بازنشر می‌دهیم.

باز خوانی گفت‌ووی تفصیلی حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی مصباح یزدی با شهید سید حسن نصرالله – ۱

مهم‌ترین تأثیر آیت‌الله مصباح بر علما و نیروهای حزب‌الله تقویت رابطه ایمانی با امام خامنه‌ای بود



بسم‌الله الرحمن الرحیم. خوش‌وقت هستیم که اجازه تشریف فرمودید تا به مناسبت ارتحال علامه مصباح رضوان الله علیه خدمت حضرت‌عالی برسیم. درخواست داریم که علاوه بر اینکه شخصیتی سیاسی، علمی و انقلابی در جوامع اسلام هستید، به عنوان کسی که آشنایی نزدیک و خاصی با علامه مصباح داشته‌اید، درباره شخصیت ایشان از محضر تان بپرسیم و برای کسانی که مشتاق‌اند با شخصیت علامه مصباح از این منظر بیشتر آشنا بشوند، از محضر حضرت‌عالی استفاده کنیم. به عنوان اولین سؤال اگر اجازه می‌فرمایید، خواستم بپرسم که حضرت‌عالی از چه زمانی با ایشان آشنا شدید؟

سید حسن نصرالله: همیشه در هر سفری که جناب شیخ (آیت‌الله مصباح)

به لبنان داشتند، به دیدارشان مشرف می‌شدم و با ایشان دیداری خصوصی داشتم؛ همچنین با فرماندهی حزب‌الله که شورای مرکزی حزب‌الله نام دارد دیداری اختصاصی فراهم می‌کردیم؛ برادرانی که از سال‌های دور رکن

اساسی در فرماندهی حزب‌الله هستند نیز به دیدارشان مشرف می‌شدند. جلسه ساعت‌ها با پرسش و پاسخ به درازا می‌کشید و در این دیدارها تلاش می‌شد

از آشنایی با ایشان بود. البته همیشه در هر سفری که جناب شیخ به لبنان داشتند، به دیدارشان مشرف می‌شدم و با ایشان دیداری خصوصی داشتم؛ همچنین با فرماندهی حزب‌الله که شورای مرکزی حزب‌الله نام دارد، دیداری اختصاصی فراهم می‌کردیم؛ برادرانی که از سال‌های دور رکن اساسی در فرماندهی حزب‌الله هستند نیز به دیدارشان مشرف می‌شدند. به لبنان دعوت به‌عمل آوردند تا برای مقامات رده اول حزب‌الله با محوریت مسائل اعتقادی، معرفتی و اخلاقی به صورت بنیادین سخنرانی‌هایی داشته باشم. به یاد دارم که یکی از فرماندهانی که در آن سخنرانی‌ها شرکت می‌کرد، حاج عماد مغنیه (رضوان الله تعالی علیه) بود. من در آن ایام با ایشان آشنا شدم و خدمتشان رسیدم. این اولین دیدار شخصی بنده و ایشان بود. البته از زمان قدیم با ایشان آشنایی عمومی،

بسم الله الرحمن الرحيم، الحمدلله رب العالمين، والصلوه والسلام علی سیدنا و نبینا محمد و علی اله الطیبین الطاهرین و صحبه الآخرین و المتتجبین و علی جمیع الأنبیاء والمرسلین. خیرمقدم می‌گویم. خوش آمدید. ثانیاً سالگرد ارتحال حضرت آیتالله علامه مصباح (رضوان الله تعالی علیه) را مجدداً به جناب‌عالی، خانواده محترم، همه شاگردان، مریدان و دوستداران ایشان تسلیت عرض می‌کنم؛ همچنین به همه مسلمانان جهان به‌ویژه شیعیان اهل‌بیت علیهم‌السلام که خسارت بزرگ فقدان و ارتحال ایشان را احساس کردند. آشنایی من با آیت‌الله مصباح (رضوان الله تعالی

در دوران مبارزه، با آن که کتاب «کشف اسرار» ازجمله کتب ممنوعه محسوب می‌شد اما به‌صورت زیرزمینی توسط انقلابیون و برخی ناشرین چاپ و در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گرفت. این‌همه در گزارش‌های ساواک بازتاب یافته است. در گزارش‌های ساواک و نیز خاطرات انقلابیون در توزیع و پخش کتاب کشف اسرار بیان می‌شود.

مدت کوتاهی پس از قیام خونین پانزده خرداد در تاریخ ۱۳۴۲/۳/۲۹ گزارش نویسان ساواک مطلبی با عنوان «اطلاعاتی در مورد روح‌الله خمینی» تنظیم می‌کنند و به شرح مختصری از زندگی علمی و خانوادگی ایشان می‌پردازند. در ضمن این گزارش به انتشار کتاب کشف اسرار و ضدیت آن با پهلوی اول اشاره شده است. همچنین در سال ۱۳۴۴، مأمور ساواک ضمن اعتراف به جمع‌آوری کامل کشف اسرار چنین می‌نویسد:

کتاب کشف‌الاسرار را که چند سال قبل وسیله خمینی انتشار یافته و در آن از اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر انتقاد شده بود... مجدداً در چایخانه حکمت شهرستان قم به چاپ برسانند و جملاتی نیز به آن اضافه کنند.»

سرتیپ مقدم در زمینه دستور جمع‌آوری کشف اسرار در جلسه شورای هماهنگی چنین می‌گوید: «در سال ۴۳ این کتاب در ساواک مورد بررسی قرار گرفت» و چون طرفداران خمینی تبلیغاتی روی این کتاب می‌نمودند لذا نه از اسحاظ مضره بودن کتاب بلکه از لحاظ این که روی خمینی تبلیغ می‌گردید با شهربانی کل کشور مکاتبه تا کتاب مزبور را جمع‌آوری نمایند.»

پس از این نیز کتاب کشف اسرار به‌صورت مخفی و دور از دید مأموران ساواک در نقاط مختلف کشور همچون تبریز، تهران، قم، و تفرش توزیع شد.

همچنین در تاریخ ۱۳۴۵/۶/۲۴ گزارش‌ی از توزیع کتاب کشف اسرار، چاپ بغداد گزارش شد. منابع ساواک در تاریخ ۱۳۴۶/۲/۱۸ خبر از تجدید چاپ کتاب در قم دادند. در گزارش ساواک مفاد کتاب، انتقاد از «دوران بیست سال سلطنت پرافتخار(۱) شاهنشاه آریامهر و اوضاع سیاسی کشور» عنوان‌شده و به

غیرشخصی و از دور داشته‌ام؛ از ابتدای دوران طلیعی کتاب‌های مختلف ایشان را دنبال می‌کردم. همچنین زمانی که در حوزهٔ علمیهٔ شهر بعلبک بودم برخی از کتب ایشان را تدریس می‌کردیم و آموزش می‌دیدیم؛ کتاب‌های فلسفی، اعتقادی و کلامی. اما آشنایی شخصی و بی‌واسطه با ایشان، از حدود سال ۲۰۰ شروع شد و بعد از آن با سفرهای مکرر ایشان به لبنان ادامه یافت که به ما لطف داشتند. به مدت چند سال هر چند وقت یکبار به لبنان سفر می‌کردند و دیدارهای بسیار مفیدی صورت پذیرفت. هنگامی که ایشان برنامه دیدار داشتند، از طریق برادران برنامه‌های ایشان را پیگیری می‌کردم؛ از دیدارها و آنچه از ایشان پرسیده می‌شد و آنچه جناب شیخ پاسخ می‌دادند؛ برای آنکه در حد خودم

خیر، قبل از سفر به ایران. به ایران که تشریف آوردید، آشنایی شما با آثار آیت‌الله مصباح یا مؤسسات زیر نظر ایشان یا مرتبطین با ایشان در چه حدی بود؟

متأسفانه به دلایل امنیتی، سی سال است که در شرایط سخت حفاظتی قرار دارم؛ لذا بعد از شهادت سیدعباس موسوی (رضوان الله تعالی علیه)، توفیق بازدید از مؤسسات و آشنایی با شخصیت‌ها را نداشتم. یکی از نعمت‌های خداوند متعال این است که جناب شیخ مصباح به لبنان می‌آمدند تا بتوانیم با ایشان دیدار داشته باشیم و ایشان را زیارت کنیم.

ایشان کتاب‌های علمی متعددی دارند که اشاره فرمودید بعضی از آنها را در زمان تحصیل در بعلبک جزو کتاب‌های درسی تان بوده است. غیر از آن کتاب‌های رسمی درسی، از آثار علمی ایشان هم اطلاعی دارید یا بعداً مراجعه داشته‌اید؟

اکثر کتاب‌های ایشان را که به زبان عربی ترجمه شده، مطالعه کرده‌ام، و همچنین هابی سخنرانی‌هایشان را دنبال می‌کردم؛ سخنرانی‌هایی که هر روز صبح در تلویزیون صراط و با زیرنویس عربی پخش می‌کردند، ولی من به زبان فارسی گوش می‌دادم و به زبان فارسی بیشتر بهره می‌بردم و برای اطمینان از دقت، ترجمه عربی را دنبال می‌کردم و از این دروس نیز بسیار استفاده کردم.

این بحث‌هایی که می‌فرمایید از تلویزیون الصراط پخش می‌شود از چه زمانی شروع شده؟

تقریباً دو سه سال است و به نظر می‌رسد اینها درس اخلاق‌هایی است که در دفتر مقام معظم رهبری در قم بیان می‌کردند.

سطح بحث‌های اخلاقی ایشان را چطور ارزیابی می‌فرمایید؟ هم از نظر علمی، هم تأثیرگذاری‌اش بر سطح اخلاقی و معنوی و تفاوتش با درس اخلاقی‌های دیگری که حضرت‌عالی شاید با از نزدیک دیده‌اید یا شنیده‌اید.

اولاً من شایستگی ارزیابی سطح اخلاقی، فرهنگی و فکری جناب شیخ رحمه‌الله علیه را ندارم. اما درباره خودم می‌گویم که بسیار استفاده می‌کردم و همیشه هنگامی که به درس‌های ایشان گوش می‌دادم، مطالب جدیدی می‌شنیدم، غیر از آنچه در کتاب‌ها می‌خواندید یا از اساتید بسیار و گذشتگان شنیده بودیم. بسیار مشتاق بودم که هر کتاب جدیدی که از ایشان چاپ می‌شود، چه به زبان فارسی چه عربی، در اسرع وقت بخوانم. من کتاب «حول العرفان الاسلامی» (در جست‌وجوی عرفان اسلامی) را برایتان مثال زدم که به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است و از همان روزی که این کتاب به دستم رسید، علی‌رغم مشغله‌های فراوان، در چند روز آن را خواندم و از آن بهره فراوان بردم.

به صورت کتاب چاپ‌شده به دست حضرت‌عالی رسید؟

هنگامی که من دیدم هنوز در دست چاپ بود و به صورت جزوه‌هایی به دستم رسید. بعد از اینکه به‌صورت کتاب گردآوری شد، کتاب را فرستادند و اتفاقاً آن را دو بار خواندم؛ یعنی یک بار به‌صورت جزوه و یک بار به‌صورت کتاب.

خیر، قبل از سفر به ایران. به ایران که تشریف آوردید، آشنایی شما با آثار آیت‌الله مصباح یا مؤسسات زیر نظر ایشان یا مرتبطین با ایشان در چه حدی بود؟

متأسفانه به دلایل امنیتی، سی سال است که در شرایط سخت حفاظتی قرار دارم؛ لذا بعد از شهادت سیدعباس موسوی (رضوان الله تعالی علیه)، توفیق بازدید از مؤسسات و آشنایی با شخصیت‌ها را نداشتم. یکی از نعمت‌های خداوند متعال این است که جناب شیخ مصباح به لبنان می‌آمدند تا بتوانیم با ایشان دیدار داشته باشیم و ایشان را زیارت کنیم.

ایشان کتاب‌های علمی متعددی دارند که اشاره فرمودید بعضی از آنها را در زمان تحصیل در بعلبک جزو کتاب‌های درسی تان بوده است. غیر از آن کتاب‌های رسمی درسی، از آثار علمی ایشان هم اطلاعی دارید یا بعداً مراجعه داشته‌اید؟

اکثر کتاب‌های ایشان را که به زبان عربی ترجمه شده، مطالعه کرده‌ام، و همچنین هابی سخنرانی‌هایشان را دنبال می‌کردم؛ سخنرانی‌هایی که هر روز صبح در تلویزیون صراط و با زیرنویس عربی پخش می‌کردند، ولی من به زبان فارسی گوش می‌دادم و به زبان فارسی بیشتر بهره می‌بردم و برای اطمینان از دقت، ترجمه عربی را دنبال می‌کردم و از این دروس نیز بسیار استفاده کردم.

این بحث‌هایی که می‌فرمایید از تلویزیون الصراط پخش می‌شود از چه زمانی شروع شده؟

تقریباً دو سه سال است و به نظر می‌رسد اینها درس اخلاق‌هایی است که در دفتر مقام معظم رهبری در قم بیان می‌کردند.

سطح بحث‌های اخلاقی ایشان را چطور ارزیابی می‌فرمایید؟ هم از نظر علمی، هم تأثیرگذاری‌اش بر سطح اخلاقی و معنوی و تفاوتش با درس اخلاقی‌های دیگری که حضرت‌عالی شاید با از نزدیک دیده‌اید یا شنیده‌اید.

اولاً من شایستگی ارزیابی سطح اخلاقی، فرهنگی و فکری جناب شیخ رحمه‌الله علیه را ندارم. اما درباره خودم می‌گویم که بسیار استفاده می‌کردم و همیشه هنگامی که به درس‌های ایشان گوش می‌دادم، مطالب جدیدی می‌شنیدم، غیر از آنچه در کتاب‌ها می‌خواندید یا از اساتید بسیار و گذشتگان شنیده بودیم. بسیار مشتاق بودم که هر کتاب جدیدی که از ایشان چاپ می‌شود، چه به زبان فارسی چه عربی، در اسرع وقت بخوانم. من کتاب «حول العرفان الاسلامی» (در جست‌وجوی عرفان اسلامی) را برایتان مثال زدم که به زبان عربی ترجمه و چاپ شده است و از همان روزی که این کتاب به دستم رسید، علی‌رغم مشغله‌های فراوان، در چند روز آن را خواندم و از آن بهره فراوان بردم.

به صورت کتاب چاپ‌شده به دست حضرت‌عالی رسید؟

هنگامی که من دیدم هنوز در دست چاپ بود و به صورت جزوه‌هایی به دستم رسید. بعد از اینکه به‌صورت کتاب گردآوری شد، کتاب را فرستادند و اتفاقاً آن را دو بار خواندم؛ یعنی یک بار به‌صورت جزوه و یک بار به‌صورت کتاب.

زمانی که کرمود به این مجله پیوست، اینکاونتر دیگر توسط کنگره آزادی فرهنگی حمایت مالی نمی‌شد بلکه توسط گروه دیلی میور به مدیریت سسیل کینگ منتشر می‌گردید. حداقل به طور رسمی، وضعیت به این شکل بود. قرارداد با کینگ در پاسخ به یک سری تهدهای تند علیه اینکاونتر منعقد شد، از جمله آنها یک سرمقاله در سال ۱۹۶۳ در نشریه ساندی تلگراف بود که به «کمک مالی مخفی و مستمر وزارت خارجه ابریتانیا» علیه اینکاونتر» اشاره کرده بود. چنین گزارش‌هایی به وضوح اعتبار مجله را تهدید می‌کرد، بنابراین جست‌وجو برای یافتن «حامیان خصوصی» در اوایل

جنگ سرد فرهنگی: سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر – ۱۹۷

مجله «اینکاونتر»

همچنان در دایره نفوذ سازمان اطلاعاتی

فرمانده سسیل کینگ

فرمانده سسیل کینگ

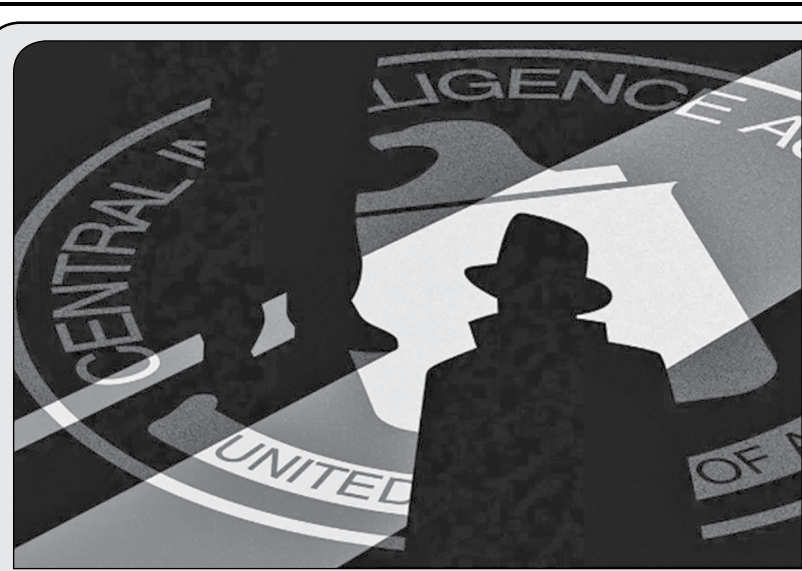
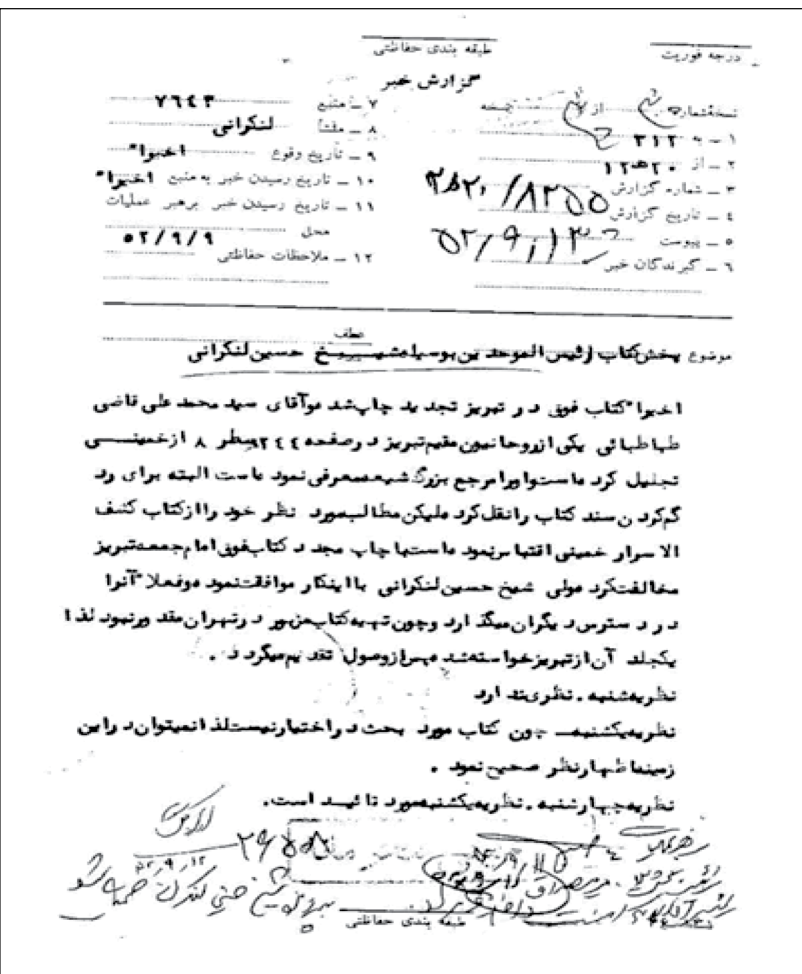
سال ۱۹۶۴ آغاز شد. تا ژوئیه همان سال، سردبیران توانستند در اینکاونتر اعلام کنند که از این پس تمامی امور مالی و تجاری توسط «شرکت انتشارات بین‌الملل» وابسته به سسیل کینگ مدیریت خواهد شد. به عنوان بخشی از این قرارداد، هیئت امنای کنترل‌کننده متشکل از ویکتور روجیله، مایکل جوسلسون و آرتور شلزینگر تشکیل شد. انتصاب شلزینگر علی‌رغم هشدار ادوارد شیلز انجام شد که گفته بود این کار فقط مدت زمان رسیدن روایت تحریف شده از

همان‌طور که موگریچ به خوبی می‌دانست، قرارداد با کینگ، مجله اینکاونتر را همچنان در دایره نفوذ سازمان اطلاعاتی نگه داشته بود. برخلاف ادعاهای عمومی، کنگره آزادی فرهنگی نه کنترل ویرایشی مجله را به طور کامل رها کرده بسود و نه حتی کنترل مالی آن را.

اسپندر به دست شلزینگر و سپس به باند نیویورک را کاهش خواهد داد». جوسلسون نگاه سخاوتمندانه‌تری داشت و استدلال می‌کرد که «مرگ زودهنگام پرزیدنت کنفری، آرتور اشراینگر» را تا حدی سرگردان گذاشته... فکر کردم از طرف ما ژست خوبی خواهد بود که حداقل سالی یکی سفر به اروپا را برای او تضمین کنیم، هدیه‌ای که او عهده هزینه آن به تنهایی برنمی‌آید.» مالکوم موگریچ اِپس از مدتی ا این تدبیر جدید را به درد نخور دانست و به جوسلسون نوشت: «حالا می‌فهمم که در واقع، به عهده گرفتن مسئولیت مالی توسط کینگ هیچ چیزی را تغییر نخواهد داد. او (یا بهتر

در گزارش ساواک مفاد کتاب، انتقاد از «دوران بیست سال سلطنت پرافتخار(!) شاهنشاه آریامهر و اوضاع سیاسی کشور» عنوان‌شده و به توزیع آن در بین مردم آذربایجان اشاره شده است. این گزارش بیان می‌دارد که با توجه به تحقیقات بیشتر، احتمال تجدید چاپ منتفی است و کتاب‌های توزیع‌شده از موجودی چاپ‌های قبل است.

بزرگ شیعه معرفی نموده است البته برای رد گم کردن سند کتاب را نقل کرده لیکن مطالب مورد نظر خود را از کتاب کشف الاسرار خمینی اقتباس نموده است.» گزارش چاپ بغداد نیز وجود دارد. در نهایت، ممنوع‌الانتشار کردن این کتاب، نه تنها باعث از بین رفتن آن نشده، بلکه باعث برجسته‌تر شدن آن گشته است. یکی از گزارش‌گران ساواک، در ضمن توهین‌ها، پیشنهاد رفع ممنوعیت انتشار کتاب کشف اسرار و رساله عملیه امام‌خمینی(ره) را داده است: «خمینی در سال‌های ۷۰-۱۳۶۰ قمری کتابی به نام کشف اسرار نوشته است که مطالبی درباره کشف حجاب، نحوه تشکیل دولت و از این



به آنان اطمینان داشت که در محتوای این خط مشی کلی مجلات دست‌نبردی نمی‌زنند یا سردبیران منتخب ما را عوض نمی‌کنند.

از این لحاظ ما خوش‌شانس بودیم که در انگلستان فردی چون سسیل کینگ و در آلمان [برای مجله درمونات] ناشری چون فیشر وولگ را پیدا کردیم، اما چنین افرادی یا ناشرانی نادر هستند.»

در واقع، در قرارداد با کینگ به صراحت تصریح شده بود که «حقوق ویراستاری دو ویراستار ارشد و بخشی از دستمزد دستیار سردبیر» همچنان بر عهده کنگره خواهد بود. جوسلسون تأکید کرد: «این موارد در گذشته به طور مستقیم بخشی از هزینه‌های اینکاونتر محسوب نمی‌شدند و همچنان هم به عنوان هزینه‌های جداگانه باقی خواهند ماند.»

او گفت مابقی کمک‌هزینه‌های دریافتی اینکاونتر از کنگره – ۱۵۰۰۰ پوند در سال – به صورت کمک‌بلاعوض به شرکت اینکاونتر باکس (با مسئولیت محدود) منتقل خواهد شد. قرارداد با فیشر وولگ نیز ویژگی‌های مشابهی داشت: به ظاهر، مؤسسه انتشارات بین‌المللی در مونات را به عهده گرفته بود.

در واقعیت، کنگره پس از خرید ۶۵ درصد از سهام این شرکت با «کمک‌هزینه ویژه ۱۰۰۰۰ دلاری»، همچنان مالک مجله باقی مانده بود. این سهام «به صورت امانی توسط یک واسط برای کنگره نگهداری می‌شد.»

در هر دو مورد، کنگره آزادی فرهنگی به عنوان داور نهایی ویرایش باقی ماند، در حالی که نفوذ و تعهدات مالی خود را پنهان کرده بود.

پانوشته‌ها:

۱- سرکرده وقت امپراتوری صهیونیستی روچیلدها که سرخ بسیاری از عملیات اطلاعاتی/ نظامی در جهان را برای دولت‌ها حکومت‌ها به دست داشت. ۲- (زولزینگر خود دیگر جزو این حلقه است و از اوضاع زودتر مطلع می‌شود و بنابراین او روایت نادرست و غیرواقعی از اسپندر را زودتر به دست باند نیویورک خواهد رساند) ۳- موگریچ اکنون معتقد است تغییر ظاهری در حامی مالی، هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد.

باش به تو می‌دهد. آنجا رقتم اما آقای معلم مرا به خیابان ارم و یک کتاب‌فروشی خیلی بزرگی فرستاد که حالا هم وجود دارد و متعلق به یک روحانی است.

شیخ گفت که برو فردا بیا. رقتم و فردایش آمد و بزاز گفت برو فردا بیا. روز سوم که آمدم دیگر مجبور شد رفت از زیرزمین یک کتاب آورد و جلوی ما گذاشت و گفت از من نخریدی! یعنی اگر گیر افتادی از من نخریدی. من کتاب را به خانه بردم و به هیچ کس نشان ندادم.»

بر اساس اسناد تاریخی کتاب کشف اسرار در شهر خوی بسیار جریان‌زبان بوده و هسته‌های انقلابی آن دیار در توزیع کتاب بسیار فعال بوده‌اند. گفتنی است محتوای ضد وهابی کشف‌اسرار در دوران چالش میان طرفداران و مخالفان کتاب «شهید جاوید» نیز مورد توجه جدی قرار گرفت. بنا بر گزارش ساواک برخی طرفداران «شهید جاوید» ادعا می‌کردند که «کشف اسرار» نوشته امام نیست یا ایشان تغییر عقیده داده و مخالفان شهید جاوید نیز انتظار داشتند همان‌طور که امام خمینی(ره) واکنش سخنی به انتخارات سلفی- وهابی حکمی‌زاده نشان داد، فاصله خود را با نویسندگان و طرفداران شهید جاوید روشن نماید:

«موضوع: اظهارات شیخ یحیی انصاری از: ۲۱ به: ۳۱۲ شماره: ۲۹/ ۲۱/ روز ۲۲/ ۴/ ۳۶/

به ملاقات انصاری رقتم و پس از تعارفات معموله به ایشان گفتم که به همین زودی عازم عتبات می‌باشم اگر امری دارید بفرمایید گفت از قول من به آقای خمینی بگویید عده‌ای زیر پوشش علاقه‌مندى به شما از مرام وهابی‌گری ترویج می‌کنند به آنان می‌گویم آقای خمینی از چهل سال قبل با تألیف کتاب کشف الاسرار و با وهابی‌گری مبارزه کرد. آنان در جواب می‌گویند این کتاب نوشته ایشان نیست و عده‌ای از آنان هم می‌گویند آقای خمینی تغییر عقیده داده‌اند. خلاصه آن که به آقا عرض کنید که این‌ها با زیارت عتبات با محافل روضه خوانی و سایر مقدسات مبارزه می‌کنند و برای من هم نامه‌های تهدیدآمیز می‌نویسند و به داخل منزل من اندازند. من در تبعیدگاه به مراتب راحت‌تر از قم بودم. هم‌اکنون سخت در اذیت و آزار این عده وهابی‌مسک می‌باشم. مختصر آن که عده‌ای که ابراز علاقه به ساحت قدس شما می‌کنند مستقیماً ترویج از مرام وهابی‌گری، مارکسیستی و ضددینی می‌کنند. از آقا تقاضا کنید نظیر مبارک خویش را به این موضوع معطوف دارند.»